

مذهب و وثاقت اباصلت هروی (د ۲۳۶)

سعید طاووسی مسرور^۱

علیرضا دهقانی^۲

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۲۹

چکیده

اباصلت عبدالسلام بن صالح هروی (ح ۱۶۰-۲۳۶) در شمار محدثان مشهوری است که از امام رضا و امام جواد ۸ حدیث نقل کرده است. واکاوی جنبه‌های مختلف زندگانی و شخصیت او، مانند بیان روابطش با امام رضا ۷ اندیشه‌های کلامی و به‌ویژه اختلاف نظرها بر سر مذهبش و نیز وثاقت او نزد علمای فریقین، خاصه با تکیه بر نظر دانشمندان رجال‌شناس سنی و شیعه، و همچنین اختلافات درباره محل مزار وی برعهده این نوشتار است. در این پژوهش، با استناد به منابع معتبر نشان داده‌شده که اباصلت در شمار آن دسته از محدثانی بوده که در آغاز مذهب سنت و جماعت داشته، اما بعدها به مذهب امامیه گروید و در شمار اصحاب خاص امام رضا ۷ درآمد.

کلیدواژه‌ها

اباصلت هروی، اصحاب امام رضا ۷ مذهب اباصلت هروی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). saeed.tavoosi@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق. alirezadehghani1375@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۳۰

پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقات قابل توجهی درباره اباصلت به رشته تحریر درآمده است؛ در میان کتاب‌ها می‌توان به پژوهشی درباره اباصلت هروی (مذهب و شخصیت)، نوشته سید حبیب‌الله حسینی و اباصلت هروی راوی آفتاب، نوشته سیدحسن حسینی و همکاران و در میان مقالات می‌توان به «اباصلت هروی» نوشته کاظم مدیرشانه‌چی، «مذهب اباصلت هروی از نگاه فریقین»، نوشته محمدحسن طبسی و «اباصلت ره‌یافته خراسان»، نوشته مهدی غلامعلی اشاره کرد. در ضمن، نتیجه جستجوی نگارندگان این بود که خاورشناسان و شیعه‌پژوهان غربی تاکنون تحقیق مستقلی راجع به اباصلت انجام نداده‌اند. واکاوی زندگی و شخصیت او از جهات مختلفی مانند اندیشه‌های کلامی وی، اختلاف درباره مذهب و وثاقت او نزد علمای فریقین، و نیز اختلاف در محل مزار وی برای پژوهشگران دارای اهمیت است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۳۰

در این نوشتار، اگر چه مباحث ابتدایی یعنی نگاهی اجمالی به حیات اباصلت و بیان رابطه وی با امام رضا 7 و در ادامه مروری بر آرای علمای رجال شیعه و سنی درباره وثاقت وی، با استفاده از منابع مفیدی که تاکنون نگاشته شده، ترتیب یافته اما کوشش شده تا آن منابع مورد بازنگری انتقادی قرار گیرد و مطالبی متقن همراه با نکاتی نو ارائه شود. بحث اصلی مقاله درباره مذهب اباصلت است که نسبت به پیشینه تحقیقاتی موجود، بحثی دقیق‌تر و مبتنی بر اطلاعات تاریخی و شواهد و قراین مختلف است، به نحوی که از هر گونه تسامح در حکم به تشیع یا تسنن اباصلت مانند اکتفا به بیان قول مشهور بین علما پرهیز شده و در این باره تنها به روایات معتبر (صحیح الاسناد یا موثق یا متواتر یا مستفیض) استناد شده و روایات غیر معتبر و ضعیف فقط به-عنوان شاهد ذکر شده است. نحوه استفاده از دانش رجال در این مقاله خود می‌تواند نمونه‌ای باشد از کاربرد این علم در کمک به دانش تاریخ و امید است نقد این مقاله و روش به کار گرفته-شده در آن از سوی تاریخ‌پژوهان و رجال‌پژوهان سبب اعتلای هر دو دانش شود.

۱. نگاهی به حیات اباصلت هروی

نام کامل وی در منابع عبدالسلام بن صالح بن سلیمان بن ایوب بن میسر، با کنیه ابوالصلت ضبط شده، و تصریح شده که مولای عبدالرحمن بن سمره قریشی/قرشی است (ابن حبان، کتاب المجروحین، ۱۳۵/۲؛ ابن شاهین، ۱۵۶؛ طوسی، رجال، ۳۶۲؛ خطیب بغدادی، ۴۷/۱۱؛ سمعانی، ۶۳۷/۵). درواقع یکی از اجداد اباصلت که با عبدالرحمن بن سمره از صحابه پیامبر 9 معاصر بوده، مولای او شده و بنا بر سنت رایج، نسل وی هم به عنوان مولای عبدالرحمن بن سمره شناخته می‌شده‌اند. این که بسیاری از رجالیان و مترجمان همچون مصادر مذکور در ترجمه اباصلت، لفظ

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۳۱

قریشی و برخی عبشمی (منسوب به طائفه بنی عبدالمس) را آورده‌اند (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۲۴۹/۱۷) از این روست که عبدالرحمن بن سمره از تیره بنی حبیب بن عبد شمس از زیرشاخه‌های قبیله قریش بوده است (ابن کلبی، ۵۵). البته روشن است که کاربرد لفظ مولی بر اجداد اباصلت به معنای برده و غلام نادرست است (نک. حسینی، حبیب‌الله، ۲۸-۳۲).

از آن‌جا که عبدالرحمن بن سمره بعد از فتح مکه در سال هشتم هجری ایمان آورده و به مدینه هجرت کرد، به احتمال فراوان اجداد اباصلت هم در مدینه اقامت داشته و زندگی می‌کرده‌اند؛ مؤید این احتمال، ولادت اباصلت در مدینه است (کشی، ۶۱۵). اما این که اباصلت در اصل از هرات بوده یا نه، در منابع اطلاعاتی یافت نشده است. ممکن است که اباصلت هم‌زمان با اقامت امام رضا ۷ در مدینه، در هرات ساکن بوده اما مدیرشانه‌چی احتمال داده که انتساب اباصلت به هرات از آن جهت است که پس از شهادت امام رضا ۷ در آن جا ساکن شده‌است (مدیرشانه‌چی، مزارات خراسان، ۴۸).

درباره تاریخ تولد اباصلت اختلاف هست. بنا بر این گزارش که اباصلت از کودکی مدت سی سال برای شنیدن حدیث نزد سفیان بن عیینه رفت‌وآمد داشته (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۴۸/۱۱)، تولد او را در محدوده سال‌های ۱۵۵ تا ۱۶۰ می‌توان تخمین زد؛ زیرا سفیان بن عیینه در سال ۱۹۸ (سمعانی، ۴۴۰/۱۳) و اباصلت نیز در سال ۲۳۶ (همو، ۶۳۷/۵) یا سال ۲۳۵ (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۲۵۳/۱۷) درگذشت (برای تبیین این احتمال با تفصیل بیشتر نک. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۰۴/۴-۱۰۸). مؤید دیگر این فرض این است که سایر مشایخ اباصلت غالباً در اواخر سده دوم هجری درگذشتند، از جمله اسماعیل بن عیاش (د. ۱۸۱ق)، جعفر بن سلیمان ضبعی (د. ۱۷۸ق)، حماد بن زید بصری (د. ۱۹۹ق)، سلیمان بن حیان (د. ۱۸۹ق).

اباصلت را فردی رحّال توصیف کرده‌اند که برای طلب علم سفر می‌کرد (ابن تغری بردی، ۲۸۷/۲). در شرح زندگی وی نوشته‌اند برای شنیدن حدیث به بصره، کوفه، حجاز و یمن سفر کرده است (سمعانی، ۳۶۸/۵). با توجه به این نکته و نیز استماع حدیث از ابن عیینه درمی‌یابیم که اباصلت در دوران نوجوانی و جوانی بیشتر در عراق و کمتر در حجاز حضور داشته است. بنا بر گزارشی از عبدالله بن نمیر، اباصلت فردی ثروتمند بود که ثروتش را در اختیار مشایخ و اهل علم می‌گذاشت و آنها برایش روایت می‌کردند (خطیب بغدادی، ۵۱/۱۱؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۴۸/۱۱). شمار زیاد مشایخ کوفی اباصلت نشان می‌دهد که او بیشتر در کوفه و بصره حدیث شنیده و در بغداد به نقل حدیث پرداخته است (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۶۱۴/۵).

اباصلت از مشایخ متعددی حدیث شنیده که از مهم‌ترین آنان می‌توان به سفیان بن عیینه، مالک بن انس، جعفر بن سلیمان ضبعی، شریک بن عبدالله نخعی و عبدالرزاق بن همام صنعانی اشاره کرد

(برای فهرستی از مشایخ او نک. خطیب بغدادی، ۴۷/۱۱-۴۸؛ مزی، ۷۳/۱۸-۷۴). اباصلت از امام رضا و فرزندشان امام جواد ۸ حدیث نقل کرده است. برخی از مشهورترین احادیثی که در اسنادشان نام اباصلت دیده می‌شود، این روایات است: «حدیث سلسله الذهب» (صدوق، التوحید، ۲۴)؛ «تشکر از خلق، تشکر از خداست» (طوسی، الامالی، ۴۵۰)؛ «هرکس قدرت ندارد ایستاده نماز بگزارد نشسته ادا کند و...» (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۶۸/۲)؛ «ثواب روزه ماه رجب» (همو، فضایل الأشهر الثلاثة، ۳۹)؛ «روایت شهادت همه امامان شیعه، "مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ" (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۵۸۵/۲) و «دعای آخر ماه شعبان: «اللَّهُمَّ إِنِّ لَمْ تَكُنْ قَدْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَأَغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ» (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۵۱/۲).

زّی فهرستی از راویان عامه که از وی روایت نقل کرده‌اند، ارائه کرده است (مزی، ۷۵/۱۸) که در میان آنان نام‌های احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، ابوالفضل عباس بن محمد دوری و عبدالله بن محمد بن ابی الدنیا نیز دیده می‌شود. راویان شیعی از وی نیز بسیارند که از جمله آنان می‌توان به این افراد اشاره کرد: عبدالعظیم حسنی، ابراهیم بن هاشم قمی، ابوموسی عیسی بن مهران و ابوعبدالله محمد بن زکریا المعلم.

اباصلت در اقامتگاه توس و پیش از شهادت امام رضا ۷ همراه ایشان بوده و گزارش تمهید امام ۷ برای تکفین را نقل کرده‌است (صدوق، الامالی، ۶۶۱؛ همو، عیون اخبار الرضا، ۲۴۲/۲). بر اساس گزارش‌های او، امام رضا ۷ به دست مأمون شهید شده‌است (ابوالفرج اصفهانی، ۴۶۰؛ صدوق، الامالی، ۵۲۶). همچنین وی گزارشگر خشم امام ۷ بر مأمون و نفرین وی از سوی امام ۷ در شهر مرو بوده‌است (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۸۴/۱-۱۸۶). پس از شهادت امام رضا ۷، مأمون، اباصلت را یک سال به زندان انداخت. ممکن است متهم کردن مأمون به قتل امام ۷ علت زندانی شدن وی باشد. مشخص نیست که وی در زندانی در توس یا شهر دیگری بوده ولی با کرامت امام جواد ۷ از زندان گریخت (همو، ۲۴۲/۲؛ همو، الامالی، ۶۶۱) و در نیشابور رحل اقامت افکند. بر اساس گزارش‌هایی که در دسترس ماست، اباصلت پس از دوره زندان، در نیشابور- پایتخت سلسله طاهریان - زندگی می‌کرده است و به نقل از محمد بن عبدالله بن طاهر حدیث معروف «الْإِيمَانُ قَوْلٌ وَعَمَلٌ» (همو، الخصال، ۵۳/۱؛ طوسی، الامالی، ۳۶ با اندک اختلاف در تعبیر) را در مجلسی در این شهر نقل کرده است. این حدیث دو نکته مهم را بر ما آشکار می‌سازد اول آن که اباصلت در کنار شخصیت‌های بزرگ حدیثی آن زمان مانند احمد بن حنبل در نیشابور بوده و به سماع حدیث اشتغال داشته و دوم آن که رابطه حسنه‌ای میان او و طاهریان وجود داشته است. به نظر می‌رسد اباصلت دست‌کم به دو دلیل

نیشابور را برای ادامه زندگی و اقامت خود برگزید؛ نخست آن که عبدالله بن طاهر امیر آن دیار خود مردی فاضل، علم‌دوست و اهل فرهنگ بوده و جایگاه ویژه‌ای برای دانشمندان در حکومتش قائل بوده است (گردیزی، ۲۰۴؛ حموی، معجم الادباء، ۱/۱۱۲ و ۹۲۶) و دوم تمایل طاهر و برخی فرزنداناش به تشیع و رضایت آن‌ها از ولایت‌عهدی امام رضا 7 (بیهقی، ۱۷۱) که می‌توانست محیط امنی برای اباصلت فراهم کند تا او به ترویج معارف رضوی بپردازد.

اباصلت هروی در ۱۴ شوال سال ۲۳۶ هجری از دنیا رفت (خطیب بغدادی، ۵۲/۱۱؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۴۸/۱۱). درباره محل آرامگاه وی سه احتمال داده شده‌است: بیرون شهر مشهد، شهر سمنان و شهر قم. در هر یک از این سه نقطه برای او دست کم از دوره قاجار بقعه و بارگاهی بوده است (اعتمادالسلطنه، ۶۷۴/۲). اما گویا گزینه حاشیه شهر مشهد محتمل‌تر از بقیه باشد (نک. حسینی، حبیب‌الله، ۳۴۱-۳۵۱؛ حسینی، حسن و همکاران، ۲۵۴-۲۵۶).

۲. اباصلت و امام رضا 7

گزارش ابن نجار در ذیل تاریخ بغداد حاکی از آن است که اباصلت قبل از سفر به ایران با امام 7 در مکه دار کرده‌است. بنا براین روایت، اباصلت عبدالسلام بن صالح هروی چنین گفته که با علی بن موسی الرضا 7 در حج بودم که در موقف این گونه دعا می‌کرد: «اللَّهُمَّ كَمَا سَتَرْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ أَعْلَمْ فَأَغْفِرْ لِي مَا تَعَلَّمْتُ وَ كَمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ عِلْمُكَ فَلْيَسَّعْ عَنِّي عَفْوَكَ وَ كَمَا بَدَأْتَ بِلِإِحْسَانٍ فَأَتِمَّ نِعْمَتَكَ بِالْغُفْرَانِ...» (ابن نجار، ۱۳۸/۴؛ نیز نک. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۳۸۹/۹). با توجه به این‌که امام در راه بازگشت از سفر خراسان از دنیا رفت، این ملاقات می‌بایست قبل از سفر امام 7 در سال ۲۰۱ اتفاق افتاده باشد. اگر این گزارش قابل پذیرش باشد او پیش از سفر اجباری امام رضا 7 به خراسان با آن حضرت آشنایی داشته است اما آن‌چه قابل اعتماد است، ملاقات او با امام رضا 7 در نیشابور در طی همین سفر امام 7 است (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۸۳/۲-۱۸۴).

بنا بر گزارش خطیب بغدادی، اباصلت در ایام مأمون، به قصد غزا و جهاد با کفار از موطن خود خارج، و چون بر مأمون وارد شد به سبب بیان فصیح و آگاهی از علوم اسلامی مورد پسند او و در زمره نزدیکانش قرار گرفت (خطیب بغدادی، ۴۸/۱۱-۴۹؛ ابن جوزی، ۲۴۲/۱۱) و مأمون او را در رکاب خود به مرو برد (خطیب بغدادی، ۵۰/۱۱). بنابراین، اباصلت هنگام سفر امام 7 به خراسان در مرو بوده و از آنجا به نیشابور آمده و از نیشابور با امام 7 همراه شده است، چنان‌که احادیث سلسله‌الذهب را در نیشابور (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۳۴/۲؛ همو، الامالی، ۲۶۸)، نماز

خواندن امام را در ده‌سرخ در مسیر نیشابور به سمت توس (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۳۶/۲)، حضور امام ۷ در سرخس (همو، ۱۸۳/۲) و ورودش را به توس (همو، ۱۳۷/۲) روایت کرده است. هنگامی که امام ۷ به مرو وارد و از طرف مأمون مجبور به قبول ولایت‌عهدی شد، اباصلت هروی در آن شهر که مرکز خلافت مأمون به شمار می‌رفت، حضور داشت و در مجالس و محافلی که امام شرکت داشت ایشان را همراهی می‌کرد و احادیثی در همین بازه زمانی از امام رضا ۷ روایت کرده است، از جمله روایت دیدار امام با دعبل خُزاعی شاعر قصیده مشهور با مطلع «مدارسُ آیاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ» (همو، ۲۶۳/۲).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۳۴

اباصلت از آنجاکه در مرو پیوسته در محضر امام ۷ بوده (حسینی، حبیب الله، ۲۲۵) در افواه و حتی در برخی منابع به خادم آن حضرت مشهور شده است، در حالی که وی خادم امام ۷ به معنای غلام زرخرید نبود و نامش در ردیف اصحاب و راویان آن حضرت ذکر شده است (برای نمونه نک. نجاشی، ۲۴۵؛ ابن شهر آشوب، ۴۳۸). حتی خطیب بغدادی که نخستین بار در قرن پنجم گزارشی نسبتاً کامل از او ارائه کرده از چنین عنوانی برای وی استفاده نکرده است. اولین بار قطب‌الدین راوندی (د ۵۷۳) او را خادم حضرت معرفی کرده (راوندی، ۳۵۲/۱) و پس از آن مزی (۶۵۴-۷۴۲، ۷۳/۱۸) و برخی دیگر (نباطی عاملی، ۱۹۸/۲؛ نیز نک. حسینی، حسن و همکاران، ۳۰ به نقل از ابن حجر عسقلانی و ذهبی) چنین نوشته‌اند. البته در تاریخ نیشابور، اثر ابوعبدالله حاکم نیشابوری (د. ۴۰۵) نیز چنین عنوانی ذکر شده است (حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ۹۰). اما به باور شفیعی کدکنی (حاکم نیشابوری، پیشگفتار) از آن‌جا که اصل کتاب در دست نیست و آن‌چه هست باقی‌مانده ترجمه و تلخیص تغییر یافته متعلق به قرن هشتم است نمی‌توان اطمینان یافت که در اصل متن حاکم نیز این مطلب ذکر شده بوده است یا نه. از طرف دیگر در منابع متقدم که افرادی با لقب خادم الرضا معرفی شده‌اند مانند یاسر الخادم (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۴۵۳/۴؛ نجاشی، ۴۵۳)، محمد بن عبدالله خراسانی (کلینی، ۲۵/۱)، محمد بن زید رزازی (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۵۳۴/۴)، موفق الخادم (خصیعی، ۳۰۰) و نادر (صدوق، فضایل الاشرار الثلاثة، ۹۸) از اباصلت با عنوان خادم یاد نشده است.

۳. مذهب و وثاقت اباصلت

۳.۱. بررسی اقوال علمای شیعه

از میان رجالیان متقدم، طوسی اشاره‌ای به وثاقت اباصلت نکرده و او را از عامه دانسته است (طوسی، رجال، ۳۶۰؛ نک. ابن داوود، ۲۵۷). بر خلاف طوسی، نجاشی او را ثقه و صحیح الحدیث دانسته و اگرچه هیچ اشاره‌ای به عامی بودن او نکرده اما تصریح به امامی بودن او نیز

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۳۵

نکرده است (نجاشی، ۲۴۵). برخی گفته‌اند چون نام کتاب نجاشی فهرست اسماء مصنفی الشيعة است پس هرکس ترجمه احوالش در این کتاب آورده شده باشد، حتما شیعه است مگر آن که نجاشی تصریح به خلافتش کرده باشد (کلباسی، محمد، ۲۰۲/۳؛ بحرالعلوم، ۱۱۴/۴-۱۱۶؛ خوئی، معجم رجال الحديث، ۱۰۳/۱) اما این مبنا محل اشکال است، زیرا افرادی در فهرست نجاشی معرفی شده‌اند که عامی بودنشان مسلم است، اما نجاشی درباره مذهبشان سکوت کرده، مانند حفص بن غیاث (محسنی مری و آزادی، ۵۷۰/۱۳)، ابومعشر مدنی (نجاشی، ۴۵۷؛ شوشتری، ۳۴۵/۱۰) و ابو علی حرانی که همان حسن بن محمد بن اعین (د ۲۱۰)، مولایم عبدالملک بنت مروان و از محدثان اهل تسنن و از شاگردان زهیر بن معاویه است که روایاتش در صحیحین و سنن نسائی آمده است (ابن حبان، الثقات، ۱۷۱/۸؛ صفدی، ۱۲/۲۱۴؛ علوی حسینی، ۳۲۹/۱). این شواهد نشان می‌دهد که نجاشی غالبا به مذهب غیر امامیان اشاره کرده و سکوت وی درباره مذهب یک فرد، از جمله درباره اباصلت، نشان تشیع آن فرد نمی‌تواند باشد.

از نظر کرباسی، معنای کلام نجاشی این است که آن‌چه در احادیث وی بر فساد مذهب دلالت کند، وجود ندارد (کرباسی، ۳۲۶). اما این نظر درست نیست، زیرا مسلک قدما عمل به خبر «موثوق به» بوده است و فرد ثقه می‌تواند امامی یا غیرامامی باشد. به عبارت دیگر وثاقت را با مذهب ملازم نمی‌دانستند (طوسی، عدة الاصول، ۱۴۹/۱).

بنا بر مطالب پیش گفته، این که برخی، از جمله شهید ثانی و فاضل جزائری از اطلاق کلام نجاشی، امامی بودن اباصلت را نتیجه گرفته‌اند (نک. جزائری، ۱۰۷/۱، ۱۰۸/۲) دلیل قابل قبولی نیست، زیرا آنان در مواجهه با متن نجاشی، از اصطلاح ثقه معنایی تصور کرده‌اند که آن معنا از زمان علامه حلی به بعد، یعنی متأخرین، رایج شده و با کاربرد این اصطلاح نزد قدمایی چون نجاشی تفاوت بسیار دارد (نک. علوی عاملی، ۱۹۶/۲). پس اثبات امامی بودن اباصلت به دلایل دیگری جز اطلاق کلام نجاشی نیاز هست.

پس از نجاشی و طوسی، علامه حلی ابتدا درباره اباصلت می‌نویسد: راوی امام رضا ۷ بوده و ثقه و صحیح الحديث است (حلی، خلاصة الاقوال، ۱۱۷)؛ وی سپس در بخش کنیه‌ها می‌نویسد ابوالصلت خراسانی از عامه و از اصحاب امام رضا ۷ بود و بکر بن صالح از او روایت می‌کند (همو، ۲۶۷). به نظر می‌رسد میان دو عبارتی که علامه برای اباصلت به کار برده منافاتی وجود ندارد. اگرچه علامه اباصلت را عامی دانسته ولی به دلیل وثاقتش به خبر وی اعتماد دارد. علامه درباره افراد ثقه غیرامامی دیگری نیز چنین مبنايي دارد، از جمله اصرم بن حوشب بجلی (همو، ۲۰۷)، یحیی بن سعید قطان (همو، ۲۶۵) و فضیل بن عیاض (همو، ۲۴۶).

شهید ثانی با عامی‌شمردن اباصلت مخالف است و بر نوشته علامه چنین تعلیقه زده است: با توجه به روایت کشی از دو طریق عامی، از ابن نعیم (صورت مغلوط: ابن معین) و از احمد بن سعید رازی که او را ثقه و مأمون علی‌الحديث توصیف می‌کنند، روشن می‌شود که وی با اهل سنت مخالطه و مراوده داشته و اخبار آنان را روایت می‌کرده است؛ به همین سبب امر بر شیخ طوسی مشتبّه شده و او را عامی معرفی کرده است (شهید ثانی، ۳۱۱/۴-۳۱۲؛ نیز نک. اعرجی، ۳۴۸/۱؛ نراقی، ابوالقاسم، ۹۳؛ بنی‌فضل، ۱۷۱). برخی رجالیان متأخر نیز بر این نظرند که حق این است که اباصلت تشیع خود را مخفی نمی‌کرده بلکه آشکارا ابراز و کرامات ائمه را برای مخالفان بازگو می‌کرده است و به همین دلیل، برخی از عامه او را قدح و سرزنش کرده‌اند (مجلسی، محمدتقی، ۳۷۹/۱۴؛ خوئی، معجم رجال‌الحديث، ۱۸/۱۰). برخی از این هم فراتر رفته وی را معتمد امام و از اصحاب سرّ آن حضرت خوانده‌اند (استرآبادی، ۳۷۴/۶؛ کاظمی، ۴۱/۲).

برخی از قائلان به امامی‌بودن اباصلت، کلام طوسی در عامی‌بودن او را سهو القلم و اشتباه (مامقانی، ۱۵۱/۲؛ خوئی، معجم رجال‌الحديث، ۱۹/۱۱؛ همو، موسوعة الامام الخوئی، ۳۱۸/۲۱) و برخی توهم (بحرانی، ۲۲۲/۱۳) دانسته‌اند. طبسی با توجه به این که طوسی در مباحث مقارن و تطبیقی بین مذاهب اسلامی خبره و کارشناس بوده، اتهام سهو قلم یا اشتباه در این باره را نمی‌پذیرد (طبسی، ۲۲، ۲۸) اما اشتباه کردن طوسی اولاً محتمل است و ثانیاً در عمل هم اشتباهاتی در آثار او دیده می‌شود، اشتباهاتی چون حذف و تقطیع اسانید و متون و وقوع تصحیف و تحریف که البته شمارشان اندک است (مجلسی، محمدتقی، ۴۰۵/۱۴؛ بحرانی، ۱۵۶/۳؛ سبحانی، ۳۹۴). توجیه برخی دیگر آن است که شیخ درباره اباصلت اطلاعات کافی نداشته است (کلباسی، ابوالهدی، ۱۶۳/۱) و برخی گفته‌اند ظاهراً شیخ کتاب وفاء الرضا را ندیده که او را عامی دانسته است (مجلسی، محمدتقی، ۳۷۹/۱۴). نکته دیگری که برای عدم پذیرش نظر طوسی می‌توان ذکر کرد این است که ظاهراً رجال طوسی، مسوّدات یادداشت‌های او بوده و فرصت تکمیل و بازبینی آن را پیدا نکرده است. شاهد آن که درباره بسیاری از راویان به ذکر نام آنان اکتفا کرده و توضیحی نداده است (بروجردی، ۲۳۱/۳؛ سبحانی، ۷۱؛ سیستانی، ۱۰۳/۲). افزون بر اینها برخی از نسخ خطی رجال طوسی اساساً فاقد عنوان اباصلت است (نک. طوسی، رجال، ۳۶۰، پانویس ۱).

برای رفع ابهام درباره مذهب اباصلت، بهترین راه مراجعه به روایاتی است که از اباصلت نقل شده و گواهی می‌دهد که وی بر مذهب اهل بیت بوده است^۲ (علیاری تبریزی، ۱۵۵/۵؛ نمازی شاهرودی، ۴۳۲/۴).

۱ درباره این کتاب و دلالت محتوایش بر امامی‌بودن اباصلت، نک. ادامه مقاله.

۲. این روایات در ادامه مقاله بررسی خواهند شد.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۳۷

اما درباره وثاقت وی می‌توان گفت که وثاقت وی مورد پذیرش غالب امامیه است و رجالیان متعددی به وثاقتش تصریح کرده‌اند (برای نمونه نک. ابن شهید ثانی، ۴۴۶؛ اردبیلی، ۴۵۶/۱؛ مجلسی، محمدباقر، ۱۰۲؛ حر عاملی ۴۰۲/۳۰؛ حائری مازندرانی، ۱۲۳/۴-۱۲۹؛ شوشتری، ۱۶۵-۱۶۰/۶؛ خوئی، معجم رجال الحديث، ۱۸/۱۱-۱۹ و همو، موسوعة الامام الخوئی، ۳۱۸-۳۱۷/۲۱). در برخی از کتب فقهی امامیه متقدم و متأخر این فتوا آمده که اگر روزه‌داری در ماه رمضان به عمد به مفطری حلال افطار کند یک کفاره و اگر به مفطر حرام افطار کند باید کفاره جمع بپردازد. مستند این فتوا روایتی از اباصلت است که مفاد آن دلالت بر وجوب کفاره جمع دارد. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۳۷۸/۳؛ همو، عیون اخبار الرضا، ۳۱۴/۱) برخی از فقها با این روایت معامله صحیح کرده‌اند. فقهایی چون علامه حلی (حلی، تحریر الاحکام الشرعیة، ۳۷۳/۴)، فاضل نراقی (نراقی، احمد، ۱۰/۵۲۳)، شیخ انصاری (انصاری، ۹۴) و سید عبدالاعلی سبزواری (سبزواری، ۱۵۴/۱۰-۱۵۵) این حدیث را صحیح ارزیابی کرده‌اند. فقهایی چون فاضل سیوری (سیوری، ۳۶۵/۱)، فاضل هندی (هندی، ۱۲۸/۹)، یوسف بحرانی (بحرانی، ۲۲۱/۱۳) و سید محسن حکیم (حکیم، ۳۴۵/۸) نیز بر اساس همین خبر اباصلت فتوا داده‌اند و معلوم است که وثاقت وی نزد آنان ثابت بوده است.

۳.۲. بررسی اقوال علمای اهل تسنن درباره مذهب و وثاقت وی

برخی رجالیان اهل سنت، به تشیع اباصلت تصریح کرده‌اند (نک. ادامه مقاله)، اما این تصریحات آنان به‌تنهایی نشان نمی‌دهد که اباصلت شیعه امامی بوده است، زیرا شیعه در اصطلاح آنان شامل افرادی می‌شود که شیخین را قبول داشته، اما امام علی ۷ را افضل از شیخین بدانند یا محب اهل بیت بوده و به نقل فضایل ایشان اهتمام داشته باشند (نک. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۸۱/۱ - ۸۲)؛ مثلاً درباره قاضی ابوبکر محمد بن عمر بن محمد تمیمی بغدادی جعابی (د ۳۵۵) این الفاظ را به کار برده‌اند: «ومذهبه فی التشیع معروف» (خطیب بغدادی، ۲۳۷/۳) و «وَهُوَ شِيعِي» (ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ۴۰۸/۷). این در حالی است که از شرح حال او در همان منابع هویدا است که او سنی متشیع بوده و سنیان روایاتش را نمی‌پسندیده‌اند. به‌علاوه وی آثاری چون کتاب الشیعة من أصحاب الحديث و طبقاتهم، کتاب طرق من روی عن أمير المؤمنين علیه السلام: إِنَّهُ لَعَهْدُ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ إِلَيَّ أَنْ لَا يُجَبِّنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يَبْغِضَنِي إِلَّا مُنَافِقٌ، کتاب ذکر من روی مؤاخاة النبی لأمیر المؤمنین ۸ و کتاب من روی حدیث غدیر خم نوشته بوده (نجاشی، ۳۹۵) و به جهت همین آثار و روایات او را شیعه دانسته‌اند.

درباره وثاقت یا عدم وثاقت اباصلت نزد اهل تسنن نیز به طور خلاصه علمای عامه سه نوع مواجهه با اباصلت داشته‌اند: توثیق و مدح، انتقاد از روایاتش در عین قبول وثاقت وی، تضعیف و بالاتر از آن طعن و ذم شدید (برای مروری اجمالی بر آرای رجالیان عامه، نک. مظفر، ۵۱/۳-۵۵).

۳. ۲. ۱. برخی از مهم‌ترین موثقان و موافقان وثاقت وی

یحیی بن معین (د. ۲۳۳): «ثَقَّةٌ صَدُوقٌ إِلَّا إِنَّهُ يَشَّيْعُ». نیز گفته: «مَا أَعْرَفُهُ بِالْكَذِبِ» (خطیب بغدادی، ۴۸/۱۱). از نقل‌هایی که خطیب بغدادی آورده معلوم می‌شود که ابن معین اباصلت را به سبب نقل روایت «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا» - معروف به روایت اعمش - تخطئه می‌کرده است، اما چون دریافت دیگران هم این حدیث را روایت کرده‌اند، به صداقت او پی برده، عبارات فوق را در توصیفش بیان کرده است. ابن توصیف ابن معین که معاصر و مجالس با اباصلت بوده بسیار اهمیت دارد و مورد توجه کشی نیز قرار گرفته است (کشی، ۶۱۵).

احمد بن سعید رازی: اباصلت ثقه و مأمون بر حدیثش است. او خاندان رسول ۹ را دوست دارد و دین و مذهبش این است (کشی، ۶۱۶).

ابن ماجه (د. ۲۷۳): ابن ماجه به اسنادش از سهل بن ابی سهل، حدیث «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةُ بِالْقَلْبِ وَقَوْلٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» را از اباصلت نقل کرده و سخن اباصلت را که «لَوْ قُرِئَ هَذَا الْإِسْنَادُ عَلَى مَجْنُونٍ لَبَرَأَ» ذکر می‌کند (ابن ماجه، ۲۵/۱-۲۶) که تنها حدیث منقول از اباصلت در مجموعه صحاح سته اهل سنت است.

حاکم نیشابوری (د. ۴۰۵): وی پس از نقل حدیث «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا...» به اسنادی که در آن اباصلت حضور دارد می‌گوید: اسناد این حدیث صحیح بوده و اباصلت موثق و مورد اعتماد است (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۱۲۶/۳).

مزی: او را «ادیب فقیه عالم» خوانده‌است (مزی، ۷۷/۱۸، ۸۰).

ابن حجر عسقلانی: اباصلت ثقه و مورد اطمینان است، جز این‌که از وی روایاتی ناشناخته نقل شده است (تقریب التهذیب، ۶۰۰/۱).

۳. ۲. ۲. برخی از مهم‌ترین مضعّفان و مخالفان وثاقت وی

ابن ابی حاتم رازی: از پدرم (ابی حاتم محمد بن ادريس رازی) درباره اباصلت پرسیدم. گفت او فردی راستگو نیست و شخصی ضعیف است و از او روایتی برایم نقل نکرده است (ابن ابی حاتم رازی، ۴۸/۶).

ابن حَبَّان بستی: ابن حبان در ترجمه امام رضا 7 می‌نویسد: علی بن موسی الرضا از سادات اهل بیت و عقلا و اجلای هاشمیان است و واجب است که حدیثش معتبر شمرده شود، هرگاه غیر اولاد و شیعیانش و خصوصا اباصلت از او نقل کرده باشند، چه اخباری که اینان از او روایات کرده‌اند اباطیل است و اشکال آنها برخاسته از اباصلت، شیعیان و اولاد اوست (ابن حبان، الثقات، ۴۵۶/۸).

ابن عدی جرجانی (د. ۳۶۵): وی اباصلت را به روایت کردن حدیث ازدواج آسمانی علی و فاطمه (علیهما السلام) متهم کرده، می‌نویسد: اباصلت احادیث منکر در فضایل علی، فاطمه، حسن و حسین از عبدالرزاق روایت می‌کند که در نقل آن متهم است (ابن عدی، ۳۳۱/۵-۳۳۲). ابونعیم اصفهانی (د. ۴۳۰): اباصلت از حماد بن زیاد، ابومعاویه محمد بن خازم ضریر، عباد بن عوام و دیگران احادیث منکر روایت می‌کند (ابونعیم، ۱۰۳). شمس‌الدین ذهبی: او از بزرگان شیعه، دانشمندی فرهیخته، عابدی فاضل و باجلالت بود. ای کاش ثقه و مورد اعتماد می‌بود (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۴۶/۱۱). در جای دیگر نیز وی را شیعه‌ای متعصب خوانده است (همو، میزان الاعتدال، ۶۱۶/۲).

۳. ۲. ۳. مخالفان سرسخت وی

محمد بن اسماعیل بخاری صاحب صحیح و از معاصران اباصلت: بنا بر نقل مامقانی (۱۵۱/۲) و شوشتری (۱۵۹/۶) بخاری معتقد است که اباصلت ثقه نیست. حتی شوشتری می‌نویسد: به باور جُعفی [بخاری] اباصلت شیعه‌ای بدذات است. اما با وجود تفحص در آثار مهم او از جمله صحیح، التاریخ الکبیر، التاریخ الاوسط و الضعفاء چنین نظری به دست نیامده است. ابو اسحاق جوزجانی (د. ۲۵۹): او اباصلت را منحرف از راه حق، کج‌اندیش، دروغ‌گو، غرق در گناهان و زشتی‌ها معرفی می‌کند (حموی، معجم البلدان، ۲۸۲/۵). وی درباره اباصلت به سبب روایاتی که در فضایل اهل بیت نقل کرده تعبیری توهین‌آمیز به کار برده است. عین عبارت آمیخته با رکاکت وی چنین است: «ابو الصلت الهروي كان زائغا عن الحق ما يلا عن القصد سمعت من حدثني عن بعض الأئمة انه قال فيه هو أكذب من روث حمار الدجال و كان قديما متلوًا في الأقدار» (جوزجانی، ۳۴۸/۱). در نقد سخن جوزجانی همین بس که برخی از خود هم مذهبانش به او انتقاد جدی کرده و او را ناصبی دانسته‌اند (نک. ابن حبان، الثقات، ۸۱/۸؛ ابن عدی، ۳۱۰/۱؛ ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۵۹/۱؛ غماري شافعی، ۵۴). در واقع دشمنی اباصلت با بنی‌امیه و در شمار آنان خلیفه سوم (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۴۸/۱۱؛ همو، میزان الاعتدال، ۶۱۶/۲؛ مزی، ۸۱/۱۸) موجب شده تا ناصبیانی چون جوزجانی نتوانند او را تحمل کنند.

از همین اقوال روشن است که منشأ تضعیف اباصلت توسط غالب علمای اهل تسنن، اهتمام او به نقل فضایل اهل بیت است (حائری مازندرانی، ۱۲۸/۴؛ بصیری و منایی، ۶). بخشی از این روایات در قسمت بعد خواهد آمد و بر اساس آن‌ها شیعه بودن وی ثابت خواهد شد.

۴. روایات حاکی از تشیع اباصلت:

در میان روایات منقول از اباصلت در منابع امامیه و حتی اهل تسنن، روایات متعددی یافت می‌شود که نشان‌دهنده شیعه‌بودن و پیروی وی از مذهب امامیه است، اما در اثبات شیعه‌بودن وی باید به روایاتی استناد کرد که اسناد آنها تا اباصلت معتبر باشد و نسبت آنها به اباصلت ثابت باشد. از این رو ابتدا روایات معتبر نشان‌دهنده شیعه‌بودن وی و سپس برخی روایات ضعیف به عنوان شاهد ذکر شده است:

- روایتی که در آخر آن، اباصلت در مجلس سرخس خطاب به امام رضا ۷ می‌گوید: «إِنَّا مُقِرُّ بُولَايَتِكُمْ» (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۸۳/۲-۱۸۴). برخی گفته‌اند اگرچه این عبارت تصریح به تشیع او دارد، اما چون شهادت به نفع خود انسان است مقبول نیست (علوی عاملی، ۱۸۵/۵). در پاسخ می‌توان گفت طبق عبارت «إِنَّا مُقِرُّ بُولَايَتِكُمْ» این از مصادیق اقرار است نه شهادت، و قاعده «إِقْرَارُ الْعُقَلَاءِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ جَائِزٌ» در اینجا جاری می‌شود. اسناد این روایت معتبر است و تنها اشکال ممکن، شاید اعتماد به قول بر عدم وثاقت احمد بن زیاد بن جعفر همدانی باشد؛ این اشکال وارد نیست، زیرا احمد بن زیاد بن جعفر ثقه است؛ هم به جهت تصریح صدوق به وثاقتش و هم کثرت استناد صدوق به وی و هم این که طعنی درباره وی نرسیده و جرح نشده و از مجموع این‌ها اطمینان به وثاقت وی حاصل می‌شود (نک. علیاری تبریزی، ۶۲/۲-۶۳؛ مامقانی، ۶۱/۱-۶۲؛ نمازی شاهرودی، ۳۱۸/۱-۳۱۹).
- امامان اهل بیت عالم به تمام لغات‌اند (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲۲۸/۲). اسناد این روایت چنین است: احمد بن زیاد بن جعفر همدانی از علی بن ابراهیم بن هاشم از ابی‌الصلت هروی از امام رضا ۷. این اسناد مرسل است، زیرا علی بن ابراهیم قمی بی‌واسطه از اباصلت روایت نمی‌کند، اما چون واسطه او و اباصلت همواره پدرش ابراهیم بن هاشم است، مشکل ارسال رفع شده و این روایت معتبر و نشان‌دهنده اعتقاد اباصلت به حجۃ‌الهی بودن امام رضا ۷ و دیگر امامان اهل بیت است.

- کتاب وفاة الرضا: کتاب وفاة الرضا تنها اثر مکتوبی است که از اباصلت گزارش شده و نجاشی طریقی برای آن ذکر نکرده است (نجاشی، ۲۴۵). اما به نظر می‌رسد صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا بخشی از روایاتی را که از وی درباره شهادت امام آورده، از این کتاب گرفته است، از جمله روایت مفصلی که اباصلت درباره شهادت امام نقل می‌کند (صدوق، الامالی، ۶۶۱؛

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۴۱

همو، عیون اخبار الرضا، ۲/۲۴۲). اسناد خبر مندرج در عیون اخبار الرضا شامل اسناد الامالی بوده و بدین صورت است: «محمد بن علی بن ماجیلویه و محمد بن موسی المتوکل و احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی و احمد بن ابراهیم بن هاشم و الحسین بن ابراهیم بن ناتانة و الحسین بن احمد بن ابراهیم بن هشام المؤدب و علی بن عبدالله الوراق قالوا حدثنا علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابی الصلت الهروی...». پیش از این، وثاقت احمد بن زیاد بن جعفر احراز شد و وثاقت او برای اعتبار این اسناد کافی است. به علاوه این روایت از طریق هفت نفر از مشایخ صدوق نقل شده که حداقل موجب استفاضه است و وثوق به صدور آن پیدا می‌شود. این روایت نیز نشان-دهنده شیعه بودن اباصلت و قرب او به امام رضا 7 است. او در همین روایت ضمن تأیید مقام امامت آن حضرت به انتقال این منصب به امام جواد 7 تصریح دارد.

- توسل اباصلت به اهل بیتو خروج معجزه‌آسای او از زندان مأمون به کمک امام جواد 7 (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲/۲۴۵؛ قتال نیشابوری، ۱/۲۳۰). این روایت که صدوق آن را از هفت تن از مشایخش اخذ کرده، مستفیض و معتبر است.

- روایات ثواب زیارت قبر امام هشتم 7 (صدوق الامالی، ۶۳؛ برای روایتی دیگر از اباصلت درباره ثواب زیارت امام رضا 7 با اسناد غیر معتبر نک. صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲/۱۳۷) که مشکلی در اسناد آن نیست، زیرا اطمینان به وثاقت محمد بن موسی بن المتوکل به جهت اکثار صدوق از او حاصل می‌شود (نام وی ۴۸ بار در مشیخه من لا یحضره الفقیه آمده است؛ نمازی شاهرودی، ج ۷، ۳۴۴) و ترجم و ترضی صدوق بر وی (خونی، معجم رجال الحديث، ۲۸۴/۱۷). علامه حلی، ابن داوود و ابن طاووس نیز او را توثیق کرده‌اند (حلی، خلاصة الأقوال، ۱۴۹؛ ابن داوود، ۳۳۷؛ ابن طاووس، ۱۵۸).

- روایتی از امام رضا 7 که در آن از انبیا و رسل و حجج : به وجه الله تعبیر شده و حضرت فاطمه (علیها السلام) حوراء انسیه معرفی شده است (صدوق، الامالی، ۴۶۱).

علاوه بر این روایات معتبر، در روایات ضعیف الاسناد منقول از اباصلت هم شواهد متعددی بر شیعه‌بودن وی دیده می‌شود که برخی از این روایات عبارت است از:

- خطاب امام رضا 7 به جمعی از یارانش با عبارت «معاشر شیعتی» که از جمله آنها اباصلت بوده است (صدوق، فضایل الاشرار الثلاثة، ۹۸-۹۹).

- حدیث گفتن اباصلت در مجلس عده‌ای از محدثین اهل سنت، از جمله اسحاق بن راهویه و عبارت مشهور وی در توصیف اسناد به «هذا سعوط المجانین هذا عطر الرجال ذوی

- الالباب^۱ (طوسی، الامالی، ۴۴۹). جالب آن که این سعو ط یا شفایی که اباصلت ادعا کرده، به نظر ابن ابی حاتم رازی، محدث مشهور اهل سنت تجربه شده است (غازی، ۷۱).
 - اباصلت به اسنادش از ابی ایوب انصاری روایت می کند هفت چیز مخصوص اهل بیت است و به هیچ شخص دیگری اعطا نخواهد شد (نک. طوسی، الامالی، ۱۵۵).
 - قوام زمین به ولایت امیرالمؤمنین ۷ است (مفید، الارشاد، ۴۸/۱-۴۹).
 - اباصلت به اسنادش از ابی ثابت مولا ی ابوذر نقل می کند: "عَلَيْهِ مَعَ الْقُرْآنِ، وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ" (خطیب بغدادی، ۳۲۲/۱۴؛ نیز نک. امینی، ۱۷۷/۳).
 - روایت علی قسیم النار و الجنة (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۴۶/۲؛ اربلی، ۳۰۹/۲).
 - علی ۷ اولین دیدارکننده پیامبر ۹ در قیامت (ابن عساکر، ۴۵/۴۲؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ۳۰۷/۸؛ نیز نک. محمودی، ۴۰۲/۱).
 - انتصابی بودن مقام امامت (صدوق، الامالی، ۶۸-۷۰؛ نیز نک. عطاردی، ۶۷/۱).
 - اباصلت نقل کرده است که امام رضا ۷ به شعر مروان بن ابی حفصه: "أَتَى يَكُونُ وَ لَيْسَ ذَاكَ بِكَائِنٍ..." فکر کردند. محتوای این شعر اعتراض به غصب خلافت است (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۷۶/۲؛ مفید، الفصول المختارة، ۹۶).
 - روایت احیای امر اهل بیت با تعلیم و تعلم معارف آنان (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۳۰۷/۱).
 - حدیث «مَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي... قَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَا إِخْلَاصُ الشَّهَادَةِ لِلَّهِ؟ قَالَ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ وِلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِ» (صدوق، التوحید، ۲۴؛ طوسی، الامالی، ۷۵/۲).
 - خصوصیات امام و تعریف امامت (قندوزی، ۸۲/۱).
 - عصمت امامان اهل بیت (طوسی، الامالی، ۵۱۶).
 - فرمان پیامبر ۹ به علی ۷ برای جنگ با سه گروه ناکثین، قاسطین و مارقین (شاشی، ۱۳۴۲).
 - وعده ظهور نهمین فرزند امام حسین ۷ (صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ۶۸/۱).
- از روایات معتبر و نیز مجموع دیگر روایات و شواهد و قراینی مانند تصریح رجالیان اهل سنت به تشیع وی (مزی، ۷۵/۱۸-۷۶) با تعابیری مانند رافضی خبیث (مزی، ۸۱/۱۸)، استفاده می شود

۱. این، داروی شفابخش دیوانگان و این بوی خوش مردان خردمند است.

که اباصلت از شیعیان مخلص و اصحاب خاص امام رضا 7 بوده است چنان‌که ابن شهر آشوب (۴۴۸/۳) اباصلت را در ردیف بزرگانی چون علی بن یقطین، علی بن مهزیار و ریان بن الصلت ذکر کرده است. شمار احادیثی که او از امام رضا 7 بیان کرده و در مصادر شیعی چون عیون اخبار الرضا، الامالی صدوق ضبط شده، دلیل محکمی است بر جایگاه خاص او.

همراهی و مصاحبت طولانی اباصلت با امام رضا 7 و این که از اصحاب سر امام 7 بوده دلیلی دیگر برای اثبات شیعه‌بودن اوست و یک سنی‌مذهب هرچند با سعه صدر و تسامح فراوان نمی‌تواند این مدت و در چنین وسعتی امام 7 را همراهی کند. کشش معنوی و علاقه‌ای که او به پیشوای شیعیان داشت وی را به سوی امام می‌کشاند و از این هم‌نشینی لذت می‌برد. عشق و علاقه فراوان اباصلت به آن حضرت باعث شد راوی احادیث بی‌شماری در فضیلت معصومانو خصوصاً بیان کرامات امام رضا 7 باشد. طبیعی است که در آن فضای شیعه‌ستیزانه، کسی نمی‌تواند بدون پشتوانه اعتقادی که از عمق جان‌ش برخاسته عمر خود را در این راه صرف کند (نک. حسینی، حسن و همکاران، ۶۴-۶۷).

در نگاه اباصلت، امام رضا 7 به عنوان عالم آل محمد 9 بود که زبان‌های مختلف مردم را می‌دانست و فصیح‌ترین مردم بود (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲۵۱/۱). اباصلت از قول محمد بن اسحاق بن موسی بن جعفر 7 روایت می‌کند که امام کاظم 7 به فرزندان خود فرمود این برادر شما، علی، عالم آل محمد 9 است. در مسائل دینی به او مراجعه کنید و هرچه گفت قبول کنید زیرا من از پدرم جعفر بن محمد 8 شنیدم که چند بار فرمود عالم آل محمد 9 در نهاد توست. کاش او را درک می‌کردم. او هم‌نام امیرالمؤمنین علی 7 است (طبرسی، ۶۴/۲؛ اربلی، ۱۱۰/۳-۱۱۱). امام نیز به اباصلت اعتماد داشت و ضمن این که اغلب او را با کنیه خطاب می‌کرد (برای نمونه نک. صدوق، الامالی، ۴۶۰-۴۶۱)، اسرار خاص را با وی در میان می‌گذاشت که خبر شهادت نمونه آن است.

۵. تغییر مذهب اباصلت:

بر اساس شواهد گوناگون به نظر می‌رسد اباصلت از اهل تسنن بوده اما بعدها مستبصر شده، و به مذهب شیعه گرویده است. به گفته خود اباصلت، او از کودکی مدت سی سال برای شنیدن حدیث نزد سفیان بن عیینة - از کبار علمای اهل تسنن - رفت‌وآمد داشته است (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۴۸/۱۱) و این تداوم شاگردی نزد یک عالم سنی مشهور نشان‌دهنده سنی بودن اباصلت در آن دوره از حیاتش است. به علاوه اگرچه او در سرخس به ولایت امام رضا 7 اقرار کرده، اما همین گفت‌وگوی او با امام در سرخس (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۸۳/۲-۱۸۴) نشان می‌دهد که زمان چندانی از شیعه‌شدن وی نمی‌گذشته، زیرا شبهه‌ای از زبان مردم شنیده

بوده (درباره این شبهه نک. جعفریان، ۵۴۲ - ۵۴۵) و برای خودش هم شبهه شده بود- که امامان مردم را بردگان خود می دانند و در این باره از امام 7 سؤال کرده (غلامعلی، ۷۹). شاهد دیگر سنی بودن او پیش از گروش به مذهب امامیه، این است که در کل از اجداد او در منابع سنی در قیاس با منابع شیعی مطالب بیشتری نقل شده است و شاید یکی از دلایلی که شیخ طوسی وی را از عامه قلمداد کرده است، همین واقعیت بوده باشد (حسینی، حسن و همکاران، ۱۶). روایات فراوانی که او از مشایخ متعدد سنی خود نقل کرده نیز شاهی است که حدود نیمی از عمرش را به پیروی از مذهب اهل تسنن گذرانده است.

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۴۴

به نظر می رسد اباصلت پس از گروش به تشیع، شیعه معتدلی بوده و در عین اظهار تشیع و مرزبندی با اهل تسنن، با آنان تعامل داشته که شاهدش، چنان که گذشت، دیدگاه موافقان او در میان اهل تسنن است. احمد بن سیار بن ایوب مروزی (۱۹۸ - ۲۶۸) از علمای اهل تسنن معاصر با اباصلت، او را چنین وصف کرده است: «شخصی پارسا، اهل ریاضت و از معدود افراد زاهد بود. وی با آرای مرجئه، جهمی، قدریه و زنادقه مبارزه و نظرات آنان را رد می کرد. وی به کلام شیعه آشنا بود ولی در آن افراط نمی کرد. ابوبکر و عمر را بر دیگران مقدم می داشت. علی 7 و عثمان را دوست داشت و از اصحاب پیامبر به نیکی یاد می کرد و می گفت این مذهب و عقیده من است که خدا به آن امر کرده است» (خطیب بغدادی، ۴۸/۱۱، ۴۹؛ مزی، ۷۵/۱۸-۷۶). اگر گزارشی را که پیش از این آوردیم که نشان دهنده مخالفت اباصلت با عثمان بود در کنار توصیف احمد بن سیار که مربوط به پس از شیعه شدن اباصلت است کنار هم قرار دهیم، می توان نتیجه گرفت که اباصلت گاهی در مواجهه با برخی از اهل تسنن تقیه می کرده است و از این جهت ممکن است در نزد برخی شیعیان متهم به تسنن شده باشد، چنان که در رجال طوسی به عنوان فردی عامی ثبت شده است (جعفریان، ۵۷۳).

نکته دیگری که در کلام احمد بن سیار شایان توجه است مبارزه اباصلت با فرق منحرف است. او پس از شیعه شدن با بهره مندی از تعالیم امام رضا 7 در مواضع مختلفی اندیشه های کلامی خویش را تبیین کرده که نشان دهنده استواری اعتقاد او به مذهب امامیه است. تسلط و احاطه ای که اباصلت در کلام شیعه داشته (خطیب بغدادی، ۴۹/۱۱) و با استفاده از آن همواره پیروز میدان مناظرات کلامی بوده، تنها از عهده کسی بر می آید که خود از خواص شیعه باشد. برخی از روایات و مواضع کلامی منقول از او از این قرار است:

- تلقی صحیح از وجه الله و نفی تشبیه و تجسیم (صدوق، الامالی، ۴۶۱؛ همو، التوحید، ۱۱۸).
- قول و عمل و نیت باید مطابق با سنت باشد (طوسی، الامالی، ۳۳۷). این روایت نشان می دهد که او به پیروی از سنت و دوری از عمل مطابق قیاس و استحسان عقیده داشته است.

- این روایت که "ایمان جز عقد به قلب، لفظ به لسان و عمل به جوارح نیست" با اسانید متعدد و با الفاظ مشابه در منابع شیعه و سنی نقل شده است (برای نمونه نک. صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲۲۷/۱؛ همو، معانی الاخبار، ۱۸۶؛ مفید، الامالی، ۲۷۵؛ ابن ابی جمهور، ۱۸۳/۱). این روایت ردی بر نظر مرجئه است (نک. اکبری، ۳۱-۳۷) که نزد آنان ایمان مهم است و به عمل مطابق ایمان توجه نمی‌شود (شهرستانی، ۱۶۲/۱).

- قدریه معتقد بودند انسان در انجام تمام کارها اختیار تام دارد (شهرستانی، ۵۶/۱). اباضیت با این فرقه مبارزه کرد و از امام رضا ۷ نقل کرد که افعال بندگان مخلوق و مقدر است (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۳۵/۱، ۳۱۵).

- عصمت انبیا: اباضیت مناظره امام ۷ با علی بن محمد بن جهم را درباره آیات قرآن که موهم نفی عصمت از انبیا است نقل کرده (همو، ۱۹۲/۱-۱۹۵) که نشان می‌دهد عقیده اکثر اهل سنت در این باره را نپذیرفته است.

نتیجه

از مجموع مباحث ارائه‌شده این نتیجه به دست آمده که اباضیت اگرچه در حدود نیمی از عمرش از اهل تسنن بوده اما به مذهب امامیه گرویده و در باقی عمرش در شمار اصحاب خاص و ملازمان امام هشتم ۷ بوده است. درباره وثاقت وی نیز باید گفت که با توجه به توثیق نجاشی که بزرگترین رجال امامیه و نسبت به طوسی اثبت و اتقن است و نیز قراین لفظی و محتوایی بسیاری از روایات، اطمینان به وثاقت وی حاصل می‌شود، چنان که غالب رجالیان امامیه نیز بر همین نظرند.

منابع

- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین‌الدین، عوالی اللئالی العزیزیه، تحقیق مجتبی عراقی، قم، دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵.
- ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، کتاب الجرح و التعديل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، بی‌تا.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، المنتظم، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء و مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲.
- ابن حبان، ابوحاتم محمد، الثقات، به کوشش السید شرف الدین احمد، [بیروت]، دار الفکر، ۱۳۹۵.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵.
- _____، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۴.
- _____، تقریب التهذیب، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۵.
- _____، کتاب المجروحین، بی‌جا، دارالصمیمی، ۱۴۲۰.
- _____، لسان المیزان، تحقیق عبد الفتاح ابو غدة، بیروت، دار البشائر الاسلامیه، ۲۰۰۲.
- ابن داوود حلی، تقی‌الدین حسن بن علی، کتاب الرجال، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
- ابن شاهین، تاریخ اسماء الثقات ممن نقل عنهم العلم، تحقیق عبدالمعطی امین قلعجی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب ال ابی طالب، قم، علامه، ۱۳۷۹ ش.
- ابن شهید ثانی، حسن بن زین‌الدین، التحریر الطاووسی، تحقیق فاضل جواهری، قم، مکتبه ایه الله المرعشی، ۱۴۱۱.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۴۶

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۴۷

- ابن طاووس، سید علی بن موسی، فلاح السائل ونجاح المسائل، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، [بی‌تا].
- ابن عدی، الكامل فی ضعفاء الرجال، تحقیق یحیی مختار غزوی، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، تهران، ۱۴۰۹.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیر، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۹.
- ابن کلبی، هشام بن محمد، جمهرة النسب، تحقیق ناجی حسن، [بی‌جا]، عالم الکتب، ۱۴۰۷.
- ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی‌تا.
- ابن نجار، محمد بن محمود، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر یحیی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دارالمعرفة، بی‌تا.
- ابونعیم اصفهانی، کتاب الضعفاء، مندرج در نرم‌افزار جوامع الکلم.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ش.
- اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة و اذاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳.
- استرآبادی، محمد بن علی، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، قم، مؤسسة ال البيت لاحیاء التراث، ۱۴۲۲.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، مطلع الشمس، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۸ش.
- اعرجی، محسن، عدة الرجال، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
- اکبری زبیدی، غلامرضا، بررسی زندگی عبدالسلام بن صالح خواجه اباصلت هروی، بی‌جا، مؤسسه انتشاراتی الشمس، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
- امینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب و السنة و الادب، قم، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶.

- انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب الصوم، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، ۱۴۱۳.
- بحر العلوم، محمد مهدی بن مرتضی، الفوائد الرجالية، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، تهران، مکتبه الصادق، ۱۳۶۳ ش.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۰۵.
- بروجردی، حسین، نهاية التقرير، تقرير محمد فاضل لنکرانی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، بی تا.
- بصیری، حمیدرضا و منایی، فرشاد، «علل جرح راویان مشترک امام رضا در احادیث فریقین با تاکید بر عوالم العلوم»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲۹۰، زمستان ۱۳۹۲.
- بنی فضل، مرتضی، مدارک تحریر الوسيلة-کتاب الصوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۲.
- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، مشهد، دانشگاه فروسی، ۱۳۵۶ ش.
- جزائری، عبدالنبی، حاوی الاقوال فی معرفة الرجال، بیروت، ریاض الناصری، چاپ اول، ۱۴۱۸.
- جعفریان، رسول، حیات فکری - سیاسی امامان شیعه - علیه السلام - ، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱ ش.
- جوزجانی، ابراهیم بن یعقوب، احوال الرجال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵.
- حاج منوچهری، فرامرز، «ابوالصلت هروی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، با مقدمه شفیعی کدکنی، تهران، آگه، ۱۳۷۵ ش.
- _____، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱.

پژوهش نامه تاريخ تشيع

سال اول، شماره ۱،
بهار ۱۳۹۶

۴۹

- حائري مازندراني، ابوعلی محمد بن اسماعيل، منتهی المقال فی احوال الرجال، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۱۶.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۰۹.
- حسینی، حبيب الله، پژوهشی درباره اباضيت هروی (مذهب و شخصيت)، قم، بوستان كتاب، ۱۳۸۹ش.
- حسینی، حسن؛ رضایی برجكن، اسماعيل؛ پاكدامن، محمدحسن، اباضيت راوی افتاب، مشهد، بنياد پژوهش های اسلامي، چاپ دوم، ۱۳۹۱ش.
- حكيم، سيد محسن، مستمسك العروة الوثقى، قم: دارالتفسير، ۱۴۱۶.
- حلي، حسن بن يوسف، تحرير الاحكام الشرعية، تحقيق ابراهيم بهادري، قم، مؤسسه امام صادق - عليه السلام -، ۱۴۲۰.
- _____، خلاصة الاقوال، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱.
- حموی، ياقوت، معجم الادباء، ترجمه عبدالحميد آيتي، تهران، سروش، ۱۳۸۱ش.
- _____، معجم البلدان، بيروت، دار صادر، ۱۹۹۵م.
- خصيبی، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى، بيروت، البلاغ، ۱۴۱۹.
- خطيب بغدادی، ابوبكر احمد بن علي، تاريخ بغداد، مصطفى عبدالقادر عطاء، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۷.
- خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، قم، مركز نشر اثار شيعة، ۱۴۱۰.
- _____، موسوعة الامام الخوئي، قم، مؤسسة احياء اثار الامام الخوئي، ۱۴۱۸.
- ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد، تاريخ الاسلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمري، بيروت، دارالكتاب العلمي، چاپ دوم، ۱۴۱۳.
- _____، سير اعلام النبلاء، تحقيق حسين الاسد، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳.
- _____، ميزان الاعتدال، تحقيق علي محمد البجاوي، بيروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر، ۱۳۸۲.

- راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹.
- سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم، مؤسسه امام صادق-علیه السلام-، ۱۳۹۵ ش.
- سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الاحکام، قم، مؤسسة المنار، ۱۴۱۳.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافية، ۱۴۰۸.
- سیستانی، سید محمدرضا، قبسات من علم الرجال، بیروت، دارالمؤرخ العربی، ۱۴۳۷.
- سیوری، مقداد بن عبدالله، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، تحقیق عبداللطیف حسینی کوه‌کمری، قم، کتابخانه ایت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴.
- شاشی، ابوسعید الهیثم، مسند الشاشی، تحقیق محفوظ الرحمن زین‌الله، مدینه، مکتبة العلوم والحکم، بی‌تا.
- شبیری زنجانی، سید موسی، «ابوالعباس نجاشی و عصر وی (۱)»، نور علم، شماره ۱۱، مرداد ۱۳۶۴.
- شهرستانی، عبدالکریم بن محمد، الملل و النحل، قم، الشریف الرضی، ۱۳۶۴ ش.
- شهید ثانی (زین‌الدین بن علی عاملی)، موسوعة الشهيد الثاني، قم، المركز العالی للعلوم و الثقافة الاسلامیة، ۱۴۳۴.
- شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة، ۱۴۱۰.
- صدوق (ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه)، الامالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- _____، التوحید، تحقیق هاشم حسینی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة، ۱۳۹۸.
- _____، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة، ۱۳۶۲ ش.
- _____، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸.
- _____، فضایل الاشر الثلاثة، تصحیح غلامرضا عرفانیان یزدی، قم، کتابخانه داورى، ۱۳۹۶.
- _____، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵.

- _____، معانى الاخبار، تصحيح على اكبر غفارى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٤٠٩.
- _____، من لايحضره الفقيه، تصحيح على اكبر غفارى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٤١٣.
- صفدى، خليل بن ايبك، الوافى بالوفيات، به كوشش هلموت ريتز، بيروت، دار النشر فرانز شتاينر، ١٤٠١.
- طبرسى، فضل بن حسن، اعلام الورى باعلام الهدى، قم، مؤسسة ال البيت، ١٤١٧.
- طبسى، محمدحسن، «مذهب اباصلت از نگاه فريقيين»، پژوهشنامه حكمت و فلسفه اسلامى، سال نهم، شماره ٣٣، پاييز ١٣٨٩.
- طوسى، ابوجعفر محمد بن حسن، الامالى، قم، دارالثقافة، ١٤١٤.
- _____، رجال الطوسى، تحقيق جواد قيومى اصفهانى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٣٧٣ش.
- _____، العدة فى اصول الفقه (عدة الاصول)، قم، محمدتقى علاقنديان، ١٤١٧.
- عطاردى، عزيزالله، مسند الامام الرضا عليه السلام، مشهد، المؤتمر العالمى للامام الرضا، ١٤٠٦.
- علوى حسيني، ابو المحاسن محمد بن على، التذكرة بمعرفة رجال الكتب العشرة، به كوشش رفعت فوزى عبد المطلب، قاهره، مكتبة الخانجى، ق١٤١٨.
- علوى عاملى، احمد بن زين العابدين، مناهج الاختيار فى شرح الاستبصار، قم، اسماعيليان، ١٣٩٩.
- عليارى تبريزى، على بن عبدالله، بهجة الامال فى شرح زبدة المقال، تحقيق هدايت الله مسترحمى، تهران، بنياد فرهنگ اسلامى كوشانپور، ١٤١٢.
- غازى، داوود بن سليمان، مسند الرضا عليه السلام، تحقيق محمدجواد حسيني جلالى، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، بى تا.
- غلامعلى، مهدى، «اباصلت ره يافته خراسان»، دوفصلنامه حديث حوزه، شماره ٢، بهار و تابستان ١٣٩٠.
- غمارى شافعى، عبدالعزيز، بيان نكت الناكث، اردن، دار الامام النووى، بى تا.

- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصيرة المتعلمین، قم، رضی، ۱۳۷۵ ش.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع المودة لذوی القربی، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، قم، دارالاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۶.
- کاظمی، عبدالنبی، تکملة الرجال، تحقیق محمدصادق بحر العلوم، قم، انوار الهدی، ۱۴۲۵.
- کرباسی، محمدجعفر، اکلیل المنهج فی تحقیق المطلب، تحقیق سید جعفر حسینی اشکوری، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحديث، چاپ دوم، ۱۴۲۶.
- کشی، ابوعمر و محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، تصحیح شیخ طوسی/ حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹.
- کلباسی، ابوالهدی، سماء المقال فی علم الرجال، تحقیق محمد حسینی قزوینی، قم، مؤسسه ولی العصر للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۹.
- کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم، الرسائل الرجالية، تحقیق محمدحسین درایتی، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۴۲۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷.
- گردیزی، عبدالحی، زین الاخبار، تهران، انجمن اثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴ ش.
- مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، چاپ سنگی به خط محمدحسین زنجانی، [نجف]، ۱۳۴۸.
- مجلسی، محمدباقر، الوجيزة فی الرجال، تحقیق محمدکاظم رحمان ستایش، قم، همایش بزرگداشت علامه مجلسی، ۱۴۲۰.
- مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم، کوشانپور، ۱۴۰۶.
- محسنی مری، قاسم و پرویز آزادی، "حفص بن غیاث"، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
- محمودی، محمدباقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- مدیرشانه چی، کاظم، «اباصلت هروی»، نامه آستان قدس، شماره ۶، خرداد ۱۳۴۰.
- مدیرشانه چی، کاظم، مزارات خراسان، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۵ ش.

- مزى، ابوحجاج يوسف، تهذيب الكمال، تحقيق بشار عواد معروف، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٦.
- مظفر، محمدحسن، الافصح عن احوال رواة الصحاح، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤٢٦.
- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم، كنزى شيخ مفيد، ١٤١٣.
- _____، الامالى، تصحيح حسين استادولى و على اكبر غفارى، قم، كنزى شيخ مفيد، ١٤١٣.
- _____، الفصول المختارة، قم، كنزى شيخ مفيد، ١٤١٣.
- نباطى عاملى، على بن محمد، الصراط المستقيم الى مستحقى التقديم، تحقيق ميخائيل رمضان، نجف، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٤.
- نجاشى، ابوالعباس احمد بن على، رجال النجاشى، تحقيق موسى شبيرى زنجانى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٣٦٥ش.
- نراقى، ابوالقاسم بن احمد، شعب المقال فى درجات الرجال، تحقيق محسن احمدى، قم، كنزى بزرگداشت فاضلين نراقى، ١٤٢٢.
- نراقى، احمد بن محمد مهدى، مستند الشيعة فى احكام الشريعة، قم، مؤسسة آل البيت، ١٤١٥.
- نمازى شاهرودى، على، مستدركات علم رجال الحديث، تهران، بى نا، ١٤١٤.
- هندى، محمد بن حسن، كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام، قم، مؤسسه النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٤١٦.

